

دکتر تیبریوس راتا، عزرا- نحما جلسه 5، عزرا 9-10

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تیبریوس راتا در تدریس خود در مورد کتاب‌های عزرا و نحما است. این جلسه ۵، عزرا ۹-۱۰ است.

کتاب مقدس خود را به فصل ۹ عزرا برگردانید. در فصل ۹ ما با گناه مردم روبرو هستیم.

صرفاً به این دلیل که مردم از تبعید بازگشتند، به این معنی نیست که همه آنها از قانون یا خدا اطاعت کرده‌اند. ما در اینجا مشکل گناه ازدواج با اقوام دیگر را می‌بینیم. از آیه ۱ فصل ۹ شروع می‌شود.

پس از انجام این امور، مأموران نزد من آمدند و گفتند: «قوم اسرائیل و کاهنان و لاویان با اعمال زشت ۱ خود، خود را از مردمان سرزمین‌ها جدا نکرده‌اند.

بنابراین نکته جالب اینجاست که می‌بینیم فقط مردم مقصر نیستند، بلکه وقتی در رهبری گناه وجود دارد در سطح متفاوتی از مشکلات قرار می‌گیرید. کاهنان و لاویان خود را از مردم آن سرزمین با اعمال زشتشان جدا نکرده‌اند. و سپس فهرستی از این افراد ارائه می‌دهند.

کنعانیان، حتیان، فرزبان، یبوسیان، عمونیان، موآبیان، مصریان و اموریان. زیرا برخی از دختران آنها را برای خود و پسرانشان به همسری گرفته‌اند، به طوری که نسل مقدس خود را با مردمان سرزمین‌ها از دست داده است. و در این بی‌وفایی، دست مقامات و بزرگان پیش از همه بوده است.

به محض شنیدن این، جامه و ردای خود را دریدم و موهای سر و ریشم را کندم و وحشت‌زده نشستم. سپس همه کسانی که از سخنان خدای اسرائیل، به دلیل بی‌وفایی تبعیدیان بازگشته، می‌لرزیدند، دور من جمع شدند و من تا زمان قربانی عصر، وحشت‌زده نشستم.

اکنون، قانون خدا در مورد ازدواج بین اقوام مختلف واضح بود. باز هم، قانون، ازدواج بین اسرائیلیان و بیگانگان را ممنوع کرده بود. باز هم، خروج ۳۴، از آیه ۱۱، واضح است. خدا و قوم، پیمان خود را تجدید می‌کردند.

و ما اینجا در خروج ۳۴ می‌خوانیم، آنچه را که امروز به شما فرمان می‌دهم، رعایت کنید. اینک، من اموریان، کنعانیان، حتیان، فرزبان، حویان و یبوسیان را از پیش روی شما بیرون خواهم راند. مراقب باشید که با ساکنان سرزمینی که به آن می‌روید، پیمان نبندید، مبادا در میان شما دامی شود.

قربانگاه‌هایشان را ویران کنید و ستون‌هایشان را بشکنید و اشیریم‌هایشان را قطع کنید. زیرا خدای دیگری را پرستش نخواهید کرد. زیرا خداوند که نامش غیور است، خدای غیور است.

مبادا با ساکنان آن سرزمین پیمان ببندید، و هنگامی که آنها از خدایان دیگر زنا می‌کنند و برای خدایان خود قربانی می‌کنند، و شما دعوت شده‌اید، از قربانی آنها بخورید و از دختران آنها، از پسران و دختران آنها، زنا کنید و از خدایان آنها زنا کنید و پسران خود را وادار کنید که از خدایان آنها زنا کنند.

فهرست مشابهی در تثنیه فصل ۴ ارائه شده است. هنگامی که خداوند، خدای شما، شما را به سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، بیاورد و ملت‌های بسیاری را از پیش روی شما پاک کند، هیتی‌ها، جرجاشی‌ها

اموری‌ها، کنعانی‌ها، فرزری‌ها، حوی‌ها و یبوسی‌ها، هفت ملتی که از شما بیشتر و قدرتمندترند. و هنگامی که خداوند، خدای شما، آنها را به شما تسلیم کند و شما آنها را شکست دهید، باید آنها را به نابودی کامل بسپارید. با آنها پیمان نبندید و به آنها رحم نکنید. با آنها ازدواج نکنید، دختران خود را به پسرانشان ندهید یا دختران آنها را برای پسران خود نگیرید. زیرا آنها پسران شما را از پیروی من برای خدمت به خدایان دیگر دور خواهند کرد. آنگاه خشم خداوند بر شما شعله‌ور خواهد شد و او شما را به سرعت نابود خواهد کرد.

درک این موضوع بسیار مهم است. مشکل اینجا قومیت آنها نبود. مشکل این بود که آنها خدایان دیگر را می‌پرستیدند. به عنوان مثال، موسی با یک اتیوپیایی ازدواج کرد. بوعز با روت موآبی ازدواج کرده بود. اما باز هم، این افراد به خانواده خدا پیوستند. مشکل اینجا قومیت نیست.

مشکل این است که آنها یهوه‌پرست نبودند. مشکل، اعمال عبادی آنها بود. این هیچ ربطی به نژادپرستی ندارد. این مربوط به خلوص مذهبی بود. همانطور که فنشام می‌گوید، «تأثیر یک مادر خارجی با ارتباطش با دین دیگر بر فرزندانش، دین خالص خداوند را خراب می‌کرد و یک دین التقاطی ایجاد می‌کرد که برخلاف» همه چیز در ایمان یهودی بود. در نهایت، مسئله حفظ هویت آنها، هویت مذهبی آنها بود.

عزرا چگونه پاسخ می‌دهد؟ عزرا عمیقاً غمگین است. و این اندوه را با پاره کردن لباس‌هایش و کندن موهایش از ریش و سرش آشکار می‌کند. این یک رسم بود که بسیاری از مردم خاور نزدیک باستان به نشانه سوگواری لباس‌هایشان را پاره می‌کردند و موهایشان را پریشان می‌کردند.

ما این را در دوم سموئیل ۱۳، دوم پادشاهان ۲۲، ایوب ۱ و اشعیا ۲۲ می‌بینیم. پاره کردن لباس، آیین اصلاح‌شده برهنگی است و کندن مو، شکل اصلاح‌شده تراشیدن مو.

اعمال عزرا آنچه را که در قلب او بود آشکار کرد: درد و رنج به دلیل اینکه مردم به دنبال خدایان دیگر می‌روند.

ضمناً، طبق متن، مردان و زنان خداترس دیگری به عزرا پیوستند و تا زمان قربانی عصر با حضور خود به او خدمت کردند. وخامت اوضاع و درد قلب عزرا، او را به دعا واداشت. باز هم، چه الگوی بزرگی برای مسیحیان امروزی و رهبران مسیحی امروزی.

ما باید خود را با مردمی که رهبری می‌کنیم یکی بدانیم و برای گناه آنها سوگواری کنیم. نه اینکه با انگشت به آن اشاره کنیم، نه اینکه کینه‌توز باشیم، بلکه درد خود را با خدا در میان بگذاریم. رهبر مسیحی امروز، مانند عزرا، باید زمان قابل توجهی را در دعا بگذراند، نه به عنوان آخرین راه حل، همانطور که گاهی اوقات انجام می‌دهیم، بلکه به عنوان اولین انگیزه.

و، عزرا در دعا به خدا روی می‌آورد. و این چیزی است که ما در ادامه فصل ۹ اینجا داریم. در قربانی عصر عزرا دوباره به صورت اول شخص می‌نویسد، من از روزه‌داری با جامه و ردای پاره شده برخاستم و به زانو افتادم و دست‌هایم را به سوی خداوند، خدای خود، گشودم و گفتم، ای خدای من، از بلند کردن چهره‌ام به سوی تو، خدای من، شرمسار و سرخ شده‌ام، زیرا گناهان ما از سر ما فراتر رفته و گناهان ما تا آسمان بالا رفته است. منظورت چیست؟ عزرا گناهکار نبود.

اما کاری که عزرا انجام می‌دهد، کاری است که هر رهبری باید انجام دهد، یعنی با مردم بودن. باز هم، یک رهبر خوب هرگز چهره انتقام‌جوی خود را در مقابل مردم تکان نمی‌دهد، بلکه یک رهبر خوب با مردم بودن را می‌شناسد. دانیال نیز همین کار را کرد.

نحمیا نیز همین کار را خواهد کرد. و عزرا نیز همین کار را در اینجا انجام می‌دهد. او وقتی به گناه جمعی اعتراف می‌کند، خود را با قومش یکی می‌داند.

او از خدا به عنوان خدای من یاد می‌کند. اما توجه کنید وقتی درباره گناه صحبت می‌کند، می‌گوید، گناهان ما. او خود را با مردم یکی می‌داند، حتی اگر خودش مرتکب آن گناهان نشده باشد.

(آیه ۷)

از روزگار پدرانمان تا به امروز، ما مرتکب گناهان بزرگی شده‌ایم. و به سبب گناهانمان، ما، پادشاهان و **7** کاهنانمان به دست پادشاهان سرزمین‌ها، به شمشیر، به اسارت، به غارت و به رسوایی کامل، چنانکه امروز شده است، سپرده شده‌ایم. **8** اما اکنون برای لحظه‌ای کوتاه، خداوند خدای ما لطفی نشان داده است که برای ما بازماندگانی باقی گذاشته و ما را در مکان مقدس خود پناه داده **است**، تا خدای ما چشمان ما را روشن کند و در بردگی مان اندکی تجدید حیات به ما عطا فرماید.

عزرا متوجه می‌شود که چه اتفاقی دارد می‌افتد. خدا ما را برگرداند. او به ما بهبودی می‌بخشد.

زیرا ما بنده‌ایم، آیه ۹، با این حال، خدای ما ما را در بندگی مان رها نکرده است، بلکه محبت پایدار خود را، در حضور پادشاهان پارس به ما ارزانی داشته است تا به ما حیاتی دوباره بخشد تا خانه خدای خود را برپا کنیم. ویرانی‌های آن را تعمیر کنیم و در یهودیه و اورشلیم **از ما** محافظت نماید.

و اکنون، ای خدای ما، پس از این چه گوئیم؟ زیرا ما فرامین تو را ترک کرده‌ایم، **۱۱** که به وسیله «**۱۰**» بندگانت، انبیا، فرمان دادی و گفتی: «سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، سرزمینی است آلوده به ناپاکی اقوام دیگر، آلوده به رجاسات ایشان که آن را از هر سو با ناپاکی خود پر کرده‌اند. «**۱۲** پس دختران خود را به پسرانشان ندهید و دختران آنها را برای پسران خود نگیرید و هرگز جویای آرامش و سعادت آنها نباشید، تا قوی شوید و از نعمت‌های زمین بخورید و آن را برای فرزندانمان تا ابد به ارث بگذارید.

، و پس از همه این بلاهایی که به سبب اعمال زشت و گناهان عظیم ما بر ما وارد شده است، با اینکه تو **۱۳** خدای ما، ما را کمتر از گناهانمان مجازات کرده‌ای و چنین بقیتی به ما عطا فرموده‌ای، **۱۴** آیا دوباره فرامین تو را زیر پا خواهیم گذاشت و با مردمانی که این اعمال زشت را انجام می‌دهند، ازدواج خواهیم کرد؟ آیا بر ما خشمگین نخواهی شد تا ما را چنان نابود کنی که هیچ بقیتی و هیچ فراری باقی نماند؟ **۱۵** ای خداوند، خدای اسرائیل، تو عادل هستی، زیرا ما بازماندگانی داریم که امروز چنین است. اینک ما در پیشگاه تو به گناهان خود گرفتاریم، زیرا کسی نمی‌تواند به سبب این [گناه] در برابر تو بایستد.

عزرا به گناه جمعی اعتراف می‌کند.

عزرا با قوم خود همذات‌پنداری می‌کند. تمام این سؤالاتی که او دارد، سؤالات بلاغی هستند که پاسخی را می‌طلبند، نه. آیا دوباره فرامین تو را زیر پا بگذاریم و با مردمی که این اعمال زشت را انجام می‌دهند، ازدواج کنیم؟ نه، این پاسخی است که باید فوراً به آن پاسخ داده شود.

آیا تا زمانی که ما را نابود نکنی، از ما عصبانی نخواهی شد؟ بله، باز هم، این یک سوال بلاغی است که پاسخی می‌طلبد، بله. اما خدا می‌داند، عزرا می‌داند خدا کیست، و او خدا را به خاطر خدای فیض، عدالت و درستکاری ستایش می‌کند. باز هم، دعای عزرا نمونه‌ای عالی برای پیروان امروزی مسیح و برای رهبر مسیحی امروز است.

برنامه‌هایی که ما در کلیساهایمان داریم، هر چقدر هم که مفصل یا پر زرق و برق باشند، هرگز نمی‌توانند جایگزین یک زندگی دعایی قوی شوند. مانند عزرا، ما باید یاد بگیریم که چگونه گناهان شخصی و جمعی را اعتراف کنیم. مانند عزرا، باید یاد بگیریم که خود را با افرادی که به آنها خدمت می‌کنیم، یکی بدانیم.

بدترین کاری که می‌توانیم در رهبری کلیسا انجام دهیم این است که ذهنیت «ما در مقابل آنها» داشته باشیم. این ما هستیم، این یک خانواده است. رهبری که نگرش «مقدس‌تر از خود» داشته باشد، خیلی پیشرفت نخواهد کرد.

رهبری که خود را فروتن می‌کند تا با ستم‌دیده یکی شود، موفق خواهد شد مانند خداوند ما عیسی شود، که خود را بی‌ارزش کرد، به شکل یک بنده درآمد و خود را برای ما فروتن کرد، همانطور که پولس در فیلیپیان ۲ می‌نویسد. بنابراین، وقتی گناه در اردوگاه وجود دارد، چه می‌کنید؟ رهبر چه می‌کند؟ فصل ۱۰ به ما می‌گوید که او چه می‌کند. او قوم خود را به تقدس دعوت می‌کند. او قوم خود را به توبه دعوت می‌کند.

این چیزی است که ما در فصل ۱۰، چهار آیه اول داریم. نصیحت، تقدس است. به یاد داشته باشید، شما باید جدا باشید. شما باید متفاوت باشید.

در حالی که عزرا دعا می‌کرد و اعتراف می‌کرد، گریه می‌کرد و خود را در برابر خانه خدا به خاک می‌افکند ۱، گروه بسیار بزرگی از مردان، زنان و کودکان از اسرائیل نزد او گرد آمدند، زیرا مردم به تلخی می‌گریستند. ۲ و شکنیا پسر یحییئیل، از فرزندان عیلام، خطاب به عزرا گفت: «ما به خدای خود خیانت کرده‌ایم و با زنان بیگانه از مردمان این سرزمین ازدواج کرده‌ایم، اما با وجود این، حتی اکنون نیز برای اسرائیل امیدی وجود دارد.» ۳ بنابراین، بیایید با خدای خود عهد ببندیم که طبق توصیه‌ی پروردگرم و کسانی که از فرمان خدای ما می‌ترسند، تمام این همسران و فرزندانشان را از خود دور کنیم و طبق شریعت عمل کنیم. ۴ برخیز، زیرا این «وظیفه‌ی توست و ما با تو هستیم؛ قوی باش و آن را انجام بده»

می‌خواهم اینجا نکته‌ی بسیار مهمی را ذکر کنم. این یک متن تجویزی نیست.

شما نباید این را بپذیرید و بگویید، اوه، ببینید، آنها مثلاً همسرانشان را طلاق می‌دهند، و اگر شما با یک غیرمؤمن ازدواج کرده‌اید، باید همین کار را بکنید. نه. ما باید به کل توصیه خدا نگاه کنیم.

و خدا از طلاق متنفر است. و اول قرن‌تین ۷ واضح است. اگر همسر بی‌ایمان می‌خواهد بگوید، طلاق نخواهی گرفت، دو اشتباه، یک کار درست را رقم نمی‌زند.

این یک متن توصیفی است. به ما می‌گوید که چه اتفاقی افتاده است. اما عزرا، دوباره، با الگو قرار دادن خود شروع می‌کند.

او برای گناه مردم دعا می‌کند و گریه می‌کند، هرچند که خودش مرتکب گناه نشده است. باز هم، او با الگو قرار دادن مردم، آنها را هدایت می‌کند. او با مردم خود احساس همدردی می‌کند.

اما در این مورد، اگرچه این شخصی که نزد او می‌آید، یعنی شکنیا، در فهرست مجرمان قرار ندارد، اما او یک رهبر غیر روحانی است که با مردم خود نیز احساس همدردی می‌کند. و دوباره می‌گوید، ما این کار را کرده‌ایم. حال، این عبارت، زنان خارجی، بسیار جالب است.

این کلمه ده بار در عهد عتیق آمده است. اولین بار در رابطه با سلیمان پادشاه که با زنان خارجی ازدواج کرد، آمده است. و دوباره، اول پادشاهان آنها را به عنوان موآبی، عمونی، ادومی، صیدونی و حتی معرفی می‌کند.

هم متن پادشاهان و هم متن عزرا و نحمیا نشان می‌دهد که این زنان، زنان بت‌پرست و غیریهودی بودند. باز هم، مشکل، خود ازدواج با بیگانگان نبود که عزرا را چنین نگران کرده بود، بلکه بیگانگانی بودند که التقاط‌گرا، بت‌پرست و بت‌پرست بودند. من از او خوشم می‌آید.

او از عزرا الگو می‌گیرد. او نمی‌گوید، خب، همه این کار را می‌کنند. نه.

او می‌خواهد با این گناه مقابله کند و آن را اصلاح کند. باز هم، کسانی که مرتکب گناه ازدواج با مردان غیرمسلمان می‌شوند باید متعهد شوند که نه تنها همسران، بلکه، همانطور که کتاب مقدس در اینجا می‌گوید، فرزندان را نیز کنار بگذارند. با توجه به درک امروزی از ازدواج، این یک پیشنهاد بسیار سختگیرانه است.

اما باز هم، مشکل اینجاست که مردان یهودی برخلاف قانون خدا با زنان خارجی ازدواج کردند. این ازدواج‌ها از همان ابتدا غیرقانونی تلقی می‌شدند. انجام این کار آسان نیست.

به همین دلیل است که نصیحت «قوی باش» بسیار مهم بود. می‌توانست عزرا را به یاد سخنان دلگرم‌کننده موسی به یوشع در تثنیه ۳۱ ببیند. قوی باش.

یا، قوی باش، کلماتی که خدا در فصل ۱، آیات ۶ و ۹ برای یوشع داشت. نکته جالب این است که مردم توبه می‌کنند. همه ما مواردی را می‌شناسیم که در آنها با افرادی روبرو می‌شوید و آنها را با کلام روبرو می‌کنید و آنها گناه را توجیه می‌کنند یا دیگران را سرزنش می‌کنند. اما در این مورد، به نظر می‌رسد حداقل توبه وجود دارد، حداقل برای ابتدای آیات ۵ و ۶.

آنگاه عزرا برخاست و کاهنان اعظم و لاویان و تمام اسرائیل را سوگند داد که طبق گفته عمل کنند. پس ۵ آنها سوگند یاد کردند.

آنگاه عزرا از جلوی خانه خدا بیرون رفت و به حجره یهوحانان پسر الیاشیب رفت و شب را در آنجا ۶ گذراند، نه نان خورد و نه آب نوشید، زیرا بر بی‌وفایی تبعیدیان سوگواری می‌کرد.

نه تنها این، آیات ۷ و ۸.

و در سراسر یهودا و اورشلیم به همه تبعیدیان بازگشته اعلام شد که در اورشلیم گرد هم آیند، ۸ و اگر کسی ۷ ظرف سه روز حاضر نشود، به دستور مقامات و بزرگان، تمام اموالش مصادره شود و خود او از جماعت تبعیدیان طرد گردد.

باز هم، این خیلی تند به نظر می‌رسد، اما قرار بود همه را دور هم جمع کند، آیات ۹ و ۱۱.

آنگاه تمام مردان یهودا و بنیامین در ظرف سه روز در اورشلیم جمع شدند. آن روز، بیستمین روز از ماه ۹ نهم بود. و تمام قوم در میدان جلوی خانه خدا نشسته بودند و از این ماجرا و از باران شدید می‌لرزیدند. 10 و عزرای کاهن برخاست و به ایشان گفت: «شما ایمان خود را شکستید و با زنان بیگانه ازدواج کردید و بدین ترتیب گناه اسرائیل را افزایش دادید.» 11 پس اکنون به خداوند، خدای پدران، اعتراف کنید و اراده او را انجام دهید. خود را از قوم‌های سرزمین و از زنان بیگانه جدا کنید.

گاهی اوقات وظیفه یک رهبر مقابله با گناه است و این کاری است که عزرا انجام می‌دهد. شما ایمان خود را شکسته‌اید و با زنان بیگانه ازدواج کرده‌اید. به خداوند اعتراف کنید.

دوباره، او از مردم می‌خواهد که به گناه خود اعتراف کنند و البته توبه کنند و از آن گناه روی برگردانند. تشخیص گناه کافی نیست. اعتراف به گناه کافی نیست.

ما باید از گناه توبه کنیم. ما باید از آن گناه روی برگردانیم. عبارت «خودتان را جدا کنید» در اینجا به ایده تقدس اشاره دارد.

و دوباره، واکنش مردم را می‌بینیم. آنها گناه خود را توجیه نمی‌کنند. آنها گناه خود را پنهان نمی‌کنند.

آنها برای گناه خود عذر و بهانه نمی‌آورند. آیات ۱۲ به بعد.

آنگاه تمام جماعت با صدای بلند پاسخ دادند: «همینطور است؛ ما باید همانطور که شما گفتید عمل ۱۲ کنیم. ۱۳ اما جمعیت بسیار است و زمان باران شدید است؛ ما نمی‌توانیم در فضای باز بایستیم. این کار یک روز یا دو روز هم نیست، زیرا ما در این مورد بسیار گناه کرده‌ایم. ۱۴ بگذارید مقامات ما برای تمام جماعت بایستند. همه کسانی که در شهرهای ما همسران بیگانه گرفته‌اند، در زمان‌های مقرر بیایند و بزرگان و داوران هر شهر نیز با آنها باشند، تا خشم شدید خدای ما درباره این موضوع از ما برگردد.

اعتراف به گناه بسیار ضروری است و اهمیت فرآیند توبه را نشان می‌دهد. و مردم با کیفرخواست عذرا موافقت. همینطور است. ما باید همانطور که شما گفتید عمل کنیم.

و آنها موافقت می‌کنند که این کار را انجام دهند، اما درخواست زمان می‌کنند. و ممکن است بگویید، همه با آن موافقت می‌کنند، درست است؟ همه بلند شدند و تشویق کردند. نه.

آیات ۱۵ و در اینجا می‌گوید،

فقط یوناتان، پسر عسائیل و یحزیا، پسر تقوه، با این مخالفت کردند.

و بعد وقتی مخالفتی وجود دارد چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، آنها طرفدار پیدا می‌کنند.

«و مشلام و شبتای، لایوان، از آنها حمایت کردند»

آنها نه تنها با مخالفت روبرو بودند، بلکه از سوی رهبری، در این مورد، رهبری لایوان، نیز با مخالفت روبرو بودند.

سپس تبعیدیان بازگشته چنین کردند. عزرای کاهن، مردانی را که از رؤسای خاندان‌های پدران بودند، بر 16 اساس خاندان‌هایشان انتخاب کرد و هر یک از آنها را به نام خود برگزید. در روز اول ماه دهم، آنها برای بررسی این موضوع نشستند. 17 و تا روز اول ماه اول، کار تمام مردانی که با زنان بیگانه ازدواج کرده بودند، تمام شده بود.

با وجود مخالفت، عذرا توصیه مردم را در نظر می‌گیرد.

وظیفه آنها بررسی موضوع ۱۱۰ پرونده است. و کار آنها سه ماه طول می‌کشد. وای. این خیلی زیاد است. و در آیات ۱۸ تا ۴۴ به ما گفته شده است که این افراد چه کسانی هستند. اگر تا به حال در خوابیدن مشکل داشته‌اید، همیشه می‌توانید این لیست را مرور کنید و خیلی سریع به خواب خواهید رفت.

اما دلیل ذکر آنها این است که مهم هستند. لطفاً توجه کنید، آیات ۱۸ و ۱۹ در مورد پسران کاهنان صحبت می‌کنند. باز هم، شما در مورد گناهیانی صحبت می‌کنید که به خانواده‌های رهبران وارد می‌شود.

وقتی به این لیست نگاه می‌کنید، ۱۷ کاهن، ۶ لای، ۳ دروازه‌بان، ۱ خواننده و ۸۴ نفر از عوام را می‌بینید درست مانند روزگار الی، اول سموئیل ۱-۳، حتی برخی از پسران کاهنان نیز مرتکب گناهان ازدواج با غیر یهودیان شده‌اند. باز هم، این واقعیت که لیست با کاهنان شروع می‌شود، این واقعیت را برجسته می‌کند که رهبران مذهبی و خانواده‌های آنها از گناه معاف نیستند.

آیات ۲۰ تا ۲۴، دوباره به مأموران فرقه‌ای باقی‌مانده، لایان، خوانندگان و دروازه‌بانان اشاره دارد. از آیه ۲۵ به بعد، عوام را تحت عنوان تمام اسرائیل داریم. و سپس ناگهان با اشاره به این نکته، و من نقل می‌کنم، که برخی از زنان حتی فرزند به دنیا آورده بودند، پایان می‌یابد.

کتاب این طور تمام می‌شود. روش خیلی خیلی جالبی برای پایان دادن به یک کتاب. اما باز هم، از دیدگاه عملی، برای پیروان مسیح، دعا، روزه، اعتراف به گناه و توبه از گناه وجود دارد.

این خیلی کاربردی است چون زمانی هست که باید برای دعا زانو بزنیم، اما زمانی هم هست که از زانو بلند می‌شویم و کاری انجام می‌دهیم. تقوا، همانطور که کسی گفت، تقوا جایگزین آمادگی نیست، و آمادگی هم جایگزین تقوا نیست. هر دو باید با هم باشند.

عزرا در دعا زانو می‌زند، اما سپس ادامه می‌دهد و کاری در مورد گناه انجام می‌دهد. تقوا و آمادگی، تقوا و عمل باید با هم باشند. و این کتاب عزرا است.

این ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. به یاد داشته باشید، این ماجرا با نحمیا ادامه می‌یابد و دفعه‌ی بعد به آن خواهیم پرداخت.

این دکتر تیبریوس راتا است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های عزرا و نحمیا است. این جلسه ۵، عزرا ۹- است. ۱۰.